



# قانون وراثت

مقدمه :

همه ما شباهت جسمی میان افراد انسان و حیوان و پدر و مادر آنها و یامیان برخی افراد یک خانواده، مشاهده میکنیم . اگر چه این شباهت از نظر شدت و ضعف ، مختلف است ، و تنها منحصرا در جهات جسمانی نیست ، بلکه شباهتهای عقلانی و مزاجی نیز میان آنها دیده میشود .

حقیقت این است که این شباهت ، مخصوص انسان و حیوان نیست . بلکه در گیاه و به عبارت عام تر : در تمام موجودات جاندار دیده میشود . و علم ثابت کرده است که نسل از اصل خود برخی خصوصیات را دریافت میدارد : خصوصیتی که این اصل را از انواع دیگر و یا از افراد نوع خود

سید محمد باقر حجتی

ممتاز میسازد. و از خصوصیات پدیده‌های جاندار عالم، توالد و تناسل است، و توالد همواره همراه با نقل صفات از اصل به فرع میباشند. تعریف وراثت:

وراثت عبارت از یک نیروی طبیعی است که به وسیله آن، صفات از اصل به نسل منتقل میشود چه آنکه این صفات مخصوص این اصل باشد، و یا مشترک میان افراد نوع همین اصل. برخی دانشمندان، وراثت را اینگونه تعریف کرده‌اند: و به عبارت روشنتر: وراثت عبارت از انتقال بسیاری از صفات جسمانی و روانی و مجموعهای از حالات اخلاقی و عملی، از پدر و مادر و یا خویشاوندان، به نسلهای بعدی است. و همین امر سبب شباهت فرزندان به پدر و مادر و یا خویشاوندان میگردد. وراثت، شامل تمام عواملی میشود که در وقت انعقاد نطفه فرد وجود داشته است. و محیط از عوامل خارجی بدست میآید. این عوامل بلافاصله پس از انعقاد نطفه در آن اثر کرده و از این پس، رشد فرد، تابع محیط و وراثت میگردد.

تاریخ علم وراثت:

شاید در نظر بعضی، موضوع وراثت، علم نوینی باشد، که پیشینیان از آن آگاهی نداشتند. ولی این نظر به یک معنی صحیح نیست زیرا در تورات آمده است که خداوند میگوید: وقتی من آدم را آفریدم جسد او را از چهار چیز ترکیب نمودم، سپس این چهار چیز را در فرزندان آدم قرار دادم که در اجسام آنها تا روز قیامت رشد میکند.

بشر موجودی کنجکاو و درصدد کشف مجهولات بوده، و میخواست از عوامل مخفی - که میان افراد امتیاز برقرار میسازد - آگاهی پیدا کند، میبیند

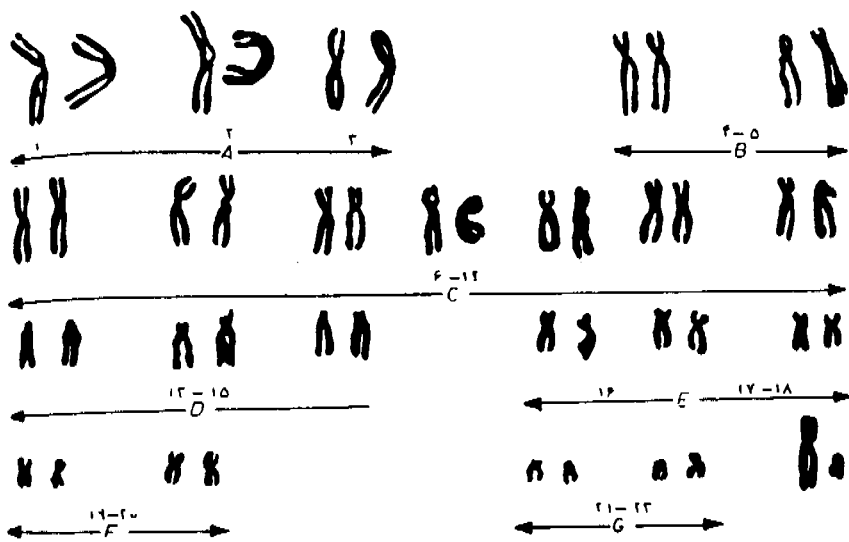
فرزندی از پدر و مادری بوجود آمده و در دامان آنها پرورش یافته، و به آنها و یا به یکی از خویشاوندان نزدیکان، در صفات و طبایع و اخلاق و تمایلات، همانند و شبیه است. درصدد بود سر این شباهت را بدست آورد؛ و میدید این شباهت منحصر به جهات جسمانی نبوده، بلکه از نظر اخلاق و سایر صفات نیز به آنها شبیه است. لذا موضوع وراثت به صورت یکی از بحثهای مهمی درآمد، و نیز ما در همین باب خواهیم دید که قرآن و احادیث بارز و ایماه پرده از روی اسرار آن برداشته است.

بعلاوه، بشر مشاهده میکرد این مشابهت کلیت ندارد، باین معنی: دو برادر و یاد و خواهر که از یک پدر و مادر به وجود آمده‌اند، و در یک محیط تربیت شده‌اند، معهذای یکی سفید پوست و دیگری سبزه، یکی بانشاط و دیگری بیحال و کسل یکی به ورزش و شکار علاقه‌مند و دیگری به بحث و تفکر تمایل دارد. البته ممکن است محیط، گاهی این اختلاف را به وجود آورد. ولی تاثیر محیط محدود است. باید ریشه این اختلاف را در نطفه (یعنی وراثت) جستجو کرد، که در نتیجه این اختلاف را در صفات و خصوصیات پدید آورده است.

پس موضوع وراثت در مد نظر بشر بوده است. منتهی در جستجوی اسباب و عوامل وراثت بوده است. او میدانست که انسان با تمام خصوصیات جسمانی و روحانی، محصولی از صفات و خصوصیات اسلاف و گذشتگان خود میباشد. صائب تبریزی در این باره میگوید:

ثمر دهد زرگ و ریشه درخت خبر

نهفته‌های پدر در پسر بود پیدا



و در امثال عربی آمده است : "الولد سڑاییه"  
 ( فرزند ، سڑ پدر میباشد )  
 و یا شاعر عرب میگوید :



بنشاء الصغیر علی ماکان والده  
 ان الاصول علیها ینبت الشجر  
 کودک خردسال همانند پدر رشد می یابد ، چنانکه  
 درخت به مقدار نیروی ریشه ، می روید .

پس قانون وراثت ، موضوعی است که بشر ، کم  
 و بیش از آن اطلاع داشته ، ولی از لحاظ علمی  
 از اسباب و عوامل آن فاقد آگاهی بوده است . و  
 بطور اجمال ، این راز بزرگ را اسلام چندین قرن  
 پیش آشکار ساخت .

وراثت چگونه صورت میگیرد:

وراثت در اثر انتقال قسمتی از ماده منوی از  
 والدین به فرزندان ، صورت می گیرد و جنین از  
 دو سلول نر و ماده یا تخمک ساخته  
 میشود . و در هر سلول ، نخهای باریکی است بنام  
 کروموزوم . و این کروموزومها از نظر  
 زیست شناسان ، اجسام ریز و عصائی شکل میباشدند  
 که برخی دراز ، برخی کوتاه ، دسته ای راست ، و  
 گروهی خمیده هستند . کروموزومها در هسته سلول  
 یافت میشوند . و بسیاری از دانشمندان موفق به  
 شمارش آنها شده اند ، و ثابت کرده اند که هسته  
 هر یک از سلولهای بدن انسان ، دارای ۴۸  
 کروموزوم است . و سلول موش ۴۰ و مگس ۱۲ و

نخود ۱۴ و گوجه فرنگی ۲۴ و زنبور ۳۲ و می‌باشد و کروموزمها شامل گروه بسیاری از ژنهاست، که عامل اصلی وراثت هستند و بقدری ریز میباشند که حتی بامیکروسکوپهای قوی، قابل رویت نیستند.

پس از تلقیح، سلول بارور شده از راه تقسیم شروع به افزایش مینماید یعنی یک سلول به دو، و دو، به چهار، و چهار به هشت، و همینگونه بطور تصاعدی تقسیم میگردد. و از همین طریق، رشد و نمو جنین آغاز میشود. معنی این مطلب آن است که خصوصیات وراثتی از ناحیه پدر و مادر از طریق بارور شدن نطفه بدست میآید. و هر یک از پدر و مادر حامل استعداد های وراثتی هستند که از اصل خود دریافت کرده‌اند.

در کتاب "روانشناسی ساده شده" از گفتار Dr. Bentley Glass مؤلف کتاب "ژنها و انسان" نقل شده است: که سلول تخم - که از اتحاد سلول نر و ماده بوجود میآید - ترکیباتی قریب سیصد تریلیون خواهد داشت. و علت شبیه بودن بعضی از فرزندان به والدین همین ترکیبهای متنوع و نامحدود است، خصوصیات ارثی حتی ساده‌ترین آنها تحت تأثیر ترکیبات مختلف ژنها قرار دارد.

و چنانکه Ashley اظهار میدارد سه محقق با یگار بردن روشهای مختلف در باره ژنها به مطالعه پرداختند، و همه آنها به این نتیجه رسیدند که تعداد ژنها در انسان قریب ۳۰۰۰۰ است و همین ژنها باعث و عامل انتقال خصوصیات ارثی معینی از نسلی به نسل دیگر می‌باشند.

البته این حقیقت بطور اجمال و ایماء در اسلام پیش بینی شده است و پیغمبر اسلام فرمود:

" تخيروا لنطفکم فان العرق دساس "

ضمن این گفتار به مسلمین و عموماً "به تمام بشر فهماند تا نطفه را در چه محلی قرار دهند، و از قانون وراثت غافل نباشند. رسول اکرم و ائمه معصومین که حقایق را با نور وحی میدیدند باین قانون عظیم خلقت توجه کامل داشته و در این روایت و روایات دیگر در باره این راز بزرگ سخن گفته، و کلمه "عرق را معرف عامل وراثت قرار داده‌اند. و به عبارت دیگر: همان معنایی که امروز، محافل علمی جهان از کلمه "ژن استفاده میکند از کلمه "عرق استفاده کرده است. و در این روایت، پیغمبر اسلام میگوید: باید دید چه محلی را برای نطفه خود میگزینید زیرا عرق دساس است و کلمه "دساس" در کتب لغت به این حقیقت تفسیر شده است که نطفه، اخلاق و سجایای پدران را به فرزندان منتقل میسازد و علی (ع) فرموده است:

" حسن الاخلاق برهان کرم الاعراق "

یعنی سجایای اخلاقی دلیل پاکی وراثت و ریشه خانوادگی است.

محمد حنفیه فرزند علی (ع) در جنگ جمل علمدار لشکر بود علی (ع) باو فرمان حمله داد محمد حنفیه حمله کرد، ولی دشمن با ضربات نیزه و تیر جلوی علمدار را گرفت. محمد از پیشروی باز ماند حضرت خود را باو رساند و فرمود احمـل بین الاسنه: از ضربات دشمن نترس، حمله کرد قدری پیشروی نمود ولی باز متوقف شد. علی (ع) از ضعف فرزندش سخت آزرده شد نزدیک آمد با قبضه شمشیر به گوشش کوبید

و فرمود:

" ادرکک عرق من امک " این ضعف و ترس را از مادر به ارث برده‌ای.